

"ماهی گرفتن از آب گل آلود"

کامران امین آوه

شعله‌ور شدن جنگ دو کشور ارمنستان و آذربایجان در رابطه با مساله قره‌باغ، موجب بروز واکنش‌هایی نه تنها از سوی حکومت‌های ایران و ترکیه، بلکه آذربایجانی‌های خارج و داخل ایران هم شده است. اگر این واکنش‌ها در سطح دفاع و همبستگی ملی با آذربایجان میماند، شاید لازم به نوشتن این سطور نمی‌بود، چرا که خوب یا بد، به حق یا ناحق، همیشه آنهایی که احساس همبستگی ملی با طرفین درگیر دارند، خود را موظف به دفاع و همدردی با آنها می‌بینند. اما مشکل زمانی شروع می‌شود که افراد یا جریان‌هایی به عمد از آب گل آلود ماهی گرفته، آتش بیار معرکه می‌شوند و با دادن شعارهای انحرافی در تبریز چون "کرد و فارس و ارمنی دشمنان آذربایجانی" به همبستگی ملل ستم دیده ایران در مقابله با حکومت ولایت فقیه آسیب رسانده، به جای اینکه نوك حمله را متوجه دشمنان واقعی ملل تحت ستم کنند، می‌خواهند به عمد یا با دنباله‌روی ناآگاهانه از شعارهای شوینستی کانالیزه شده، جای دوست و دشمن را قاطی کرده و آن را به سطح جامعه بکشانند. در این میان، بیانیه نویسان خارج از کشوری "جمعی از فعالین ملی و مدنی ترک-آذربایجانی: قاراباغ خاک آذربایجان است" نیز با تحریف واقعیت "دفاع ایران از ارمنستان" و تکرار یاوه‌های حکومت فاشیستی اردوغان مبنی بر تروریست خواندن "پ. ک. ک" عملاً خدمتی بزرگ و شایان توجه به دست اندرکاران ایران و دولت سرکوبگر اردوغان در ترکیه می‌کنند. در ترکیه نیروهای مترقی ترک و کرد و ... دست در دست هم برای عبور از بختک اردوغان سال‌ها است مبارزه کرده و می‌کنند و زندان‌های ترکیه مملو از فرزندان دمکرات و آزادیخواه این دو ملت است. میتوان به هر دلیلی با سیاست‌های پ. ک. ک یا هر نیروی پارتیزانی مخالف بود، اما نمیتوان سرکوب و کشتار مردم کرد توسط نیروهای مسلح وابسته به ناتوی ترکیه را نادیده گرفت و با تکرار گفته‌های جنگ افروزانه و نفاق افکنانه نیروهای شوینست و مرتجع حکومت مستبد ترکیه به دامن سرکوبگران نه تنها کردهای ترکیه، بلکه آزادیخواهان ترک غلطید.

در ایران نیز ملل تحت ستم کرد و آذری به درازای تاریخ درد و منافع مشترک داشته، در برش‌های مهم تاریخی چون قیام شیخ محمد خیابانی، جنبش آذربایجان و کردستان در سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۴ یار و یاور هم بوده، برای رسیدن به حق تعیین سرنوشت خود مبارزه کرده‌اند. در سال‌های پس از انقلاب در ایران بسیاری از فعالین چپ و دمکرات آذربایجان در کردستان پا به پای نیروهای کرد بر علیه دولت سرکوبگر اسلامی ایران مبارزه کردند و ده‌ها انقلابی و چپ و دمکرات آذربایجان چون زنده یاران یوسف کشی زاده، یعقوب تقدیری و عاشق "توفیق" و ... سینه‌های ستر و قلب‌های فروزان‌شان در يك صف با کردها آماج گلوله‌های سپاهیان اسلام قرار گرفت. بی گمان کم نبودند عواملی چون ملا حسنی و ظهیرنژاد و چمران و ... که سعی کردند با حمله به متینگ حزب دمکرات کردستان در نقده و ... موجب شعله‌ور شدن آتش خصم و نفاق در میان مردم آذری و کرد شوند، اما واقع‌گرایی و دور اندیشی نیروهای مترقی کرد و آذری و تشخیص "دوست از دشمن" و "سره از ناسره" اجازه ماهی گرفتن از آب گل آلود را به نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی نداد.

در تمام سال‌های رعب و وحشت حکومت اسلامی ایران، تلاش‌های مستمر عاملان آگاه و ناآگاه دستگاه امنیتی و سخن‌پراکنی ایران و تبلیغات سوء آنها برای ایجاد تفرقه و دشمنی در میان این دو ملت، با درایت و برخورد نیروهای مترقی آذری و کرد نقش بر آب شده است. ائتلاف و اتحادهای مختلف ایجاد شده در خارج از کشور که نیروهای کرد و آذری ستون‌های اساسی آن را تشکیل می‌دهند، موید سطح آگاهی و تلاش مستمر آنها برای رسیدن به ایرانی دمکرات و فدرال و وحدت داوطلبانه ملل تحت ستم ایران است.

امروزه وظیفه نیروهای انقلابی، دمکرات و ترقیخواه مبارزه با هر گونه حرکت انحرافی است که در پی ایجاد اختلاف و تفرقه در میان مردم "کرد، آذری، ارمنی و فارس و ..." در ایران باشد. نباید گذاشت مساله تاریخی قره‌باغ موجب سوءاستفاده نیروهای مرتجع به هر نام و تفکری برای آسیب زدن به دوستی تاریخی مردم آذری و کرد و مبارزه مشترک آنها شود.